



An Analysis of the Role of the Khans of Sarpanj in the Establishment and Development of the Mill (tahun) of Sarbandan Village

Fateme Shabani Asl^{*1}

¹- PhD in Anthropology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
shabani_fateme@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The study of the role of the Khans and rulers of villages in the development of development and prosperity measures, including the construction of the Tahuneh or, in common parlance, the water mill, has been of great importance. Therefore, this article examines the role of the Khans of Sarpanj in the establishment and development of the Tahuneh in the village of Sarbandan. This research explains that the Khans of Sarpanj, with a correct understanding of the development and prosperity indicators, contributed to the economic, socio-cultural growth of the village. In this research, qualitative methodology, and specifically the ethnographic method, was used to conduct the research operations and the entire fieldwork process. The findings of this research were the result of observations and interviews with 16 indigenous people of the village of Sarbandan in the years 1399 to 1401. This study, which was conducted with the approach of social capital in rural development, shows that Tahuneh as a water structure has been a part of the historical monuments of this village in terms of its role and application in the field of traditional architecture. On the other hand, it is manifested in cultural examples (proverbs). As a result, it can be said that the Khanin Sarpanj were able to grow and develop the village by increasing social capital (participation, trust and social cohesion). Keywords: Aesh (mill), Sarpanj, architecture, water mill, Sarbandan village
Received: 06/01/2025	
Accepted: 08/04/2025	

Cite this article: Shabani Asl, Fateme, (2024), "An analysis of the role of the Khans of Sarpanj in the establishment and development of the mill (tahun) of Sarbandan village", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 2, No. 3, P: 145-177.

_DOI: 10.30479/hvri.2025.21426.1056

© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University



***Corresponding Author:** Fateme Shabani Asl

Address PhD in Anthropology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

E-mail: shabani_fateme@yahoo.com

واکاوی نقش خوانین سرپنج در تأسیس و گسترش نَاش (طاحونه) روستای

سربندان

فاطمه شعبانی اصل^{*۱}

^۱- دکتری مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. shabani_fateme@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	مطالعه نقش خوانین و حاکمان روستاها در توسعه اقدامات عمرانی و آبادانی، به‌ویژه ساخت طاحونه یا آسیاب آبی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این جستار به بررسی نقش خوانین سرپنج در تأسیس و گسترش طاحونه‌ها در روستای سربندان اختصاص دارد. در این تحقیق تبیین می‌شود که خوانین سرپنج با درک صحیح از شاخصه‌های آبادانی و عمرانی، در جهت رشد اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی روستا با یکدیگر مشارکت داشته‌اند. روش‌شناسی این پژوهش کیفی بوده و به طور خاص از روش مردم‌نگاری برای انجام عملیات میدانی و فرایند جمع‌آوری اطلاعات بهره گرفته شده است. یافته‌های این پژوهش حاصل مشاهدات و مصاحبه با ۱۶ نفر از اهالی بومی روستای سربندان در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ است. این مطالعه که با رویکرد سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی انجام شده است، نشان می‌دهد طاحونه به عنوان یک سازه آبی، از سویی در عرصه معماری سنتی، نقش و کاربردی داشته که معرف بخشی از آثار تاریخی این روستا بوده است. از سوی دیگر، طاحونه در مصادیق فرهنگی (مانند ضرب‌المثل‌ها) نیز متجلی شده است. در نتیجه، می‌توان گفت خوانین سرپنج با افزایش سرمایه اجتماعی (شامل مشارکت، اعتماد و انسجام اجتماعی) توانسته‌اند به رشد و توسعه عمرانی روستا کمک کنند.
دریافت:	
۱۴۰۳/۱۰/۱۷	
پذیرش:	
۱۴۰۴/۰۱/۱۹	
واژگان کلیدی:	نَاش (طاحونه)، سرپنج، معماری، آسیاب آبی، روستای سربندان.

استناد: شعبانی اصل، فاطمه، (۱۴۰۳)، «واکاوی نقش خوانین سرپنج در تأسیس و گسترش نَاش (طاحونه) روستای سربندان»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال دوم، شماره سوم، ص: ۱۷۷-۱۴۵.

DOI: 10.30479/hvri.2025.21426.1056

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

حق مؤلف © نویسندگان.



مقدمه

روستای سربندان که در پنج فرسخی تهران قرار دارد (ورجاوند، ۱۳۵۴: ۶۰-۵۵)، از قرن هشتم هجری، یعنی عصر ایلخانان، شاهد ورود طایفه گُرمَاج‌ها^۱ بوده است (عبید زاکانی، ۱۳۵۲: ۳۲۰؛ حکیم‌آذر، ۱۳۹۴: ۱۱۵؛ آفتاب، ۱۳۹۲: ۱۱۷). ساخت «طاحونه»^۲ یا در اصطلاح محلی «ئاش» یکی از اقدامات توسعه‌ای مهم خوانین و سرپنج‌های طایفه گُرمَاج در این روستا بوده است. خوانین گُرمَاج با درک فراوانی آب رودخانه و مدیریت انرژی، توانسته بودند راهکارهای خردمندانه‌ای برای بهره‌گیری پایدار از طبیعت و مهار آن پیدا کنند. این سرپنج‌ها نه تنها توسعه اقتصادی را از طریق افزایش ظرفیت‌های تولیدی، به‌ویژه ساخت سازه‌های فیزیکی طاحونه‌ها، ضروری می‌دانستند، بلکه با رفع تنش‌های فردی و اجتماعی، مشارکت جمعی، نظم اجتماعی و تقویت اعتماد اجتماعی، اصول محوری توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا را عملی کرده بودند. این اقدامات باعث تحول نهادهای اجتماعی-فرهنگی روستا شد. با این حال، این روند رشد و توسعه بومی روستا از حدود دهه ۴۰ به بعد، به دلایلی مانند سالخوردگی و فوت سرپنج‌ها، بی‌توجهی نسل‌های بعدی، مهاجرت به شهرهای اطراف و تغییرات فرهنگی-اقتصادی، متوقف شد و در نهایت به از بین رفتن شواهد نبوغ و تلاش‌های آن‌ها انجامید.

پژوهش حاضر با هدف شناخت طاحونه‌ها، بررسی معماری و عملکرد فنی آن‌ها، به تحلیل کالبدی و کارکردی این سازه‌ها پرداخته است. بررسی کالبدی و کارکردی به معنای شناخت اجزا و فضاهای معماری طاحونه‌ها و معرفی عملکرد و وظایف هر یک از این فضاها به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده این بناها صورت گرفته است. این موضوع، از آنجایی اهمیت دارد که در پژوهش‌های پیشین، به آسیاب‌های سربندان و نقش خوانین سرپنج در ساخت این بناها توجه کافی نشده و شناخت جامعی از سازندگان و معماری این بناها به دست نیامده است. بنابراین، پژوهش حاضر با تمرکز بر نقش خوانین سرپنج و ارتباط این نقش با ساخت طاحونه‌های سربندان، در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است: ۱- خوانین سرپنج چه نقشی در ساخت طاحونه داشته‌اند و چگونه این نقش برخاسته از سرمایه اجتماعی در روستا بوده است؟ ۲- ساختار معماری

۱ - گُرمَاج‌ها کردهایی از اقوام «مانایی» mannay در سده نهم پیش از میلاد هستند که در زاگرس فرمانروایی می‌کردند و در هنگام تشکیل فرمانروایی ماد به آن‌ها پیوسته‌اند و با زبان محلی کردی با گویش گُرمَاج گونه قوچانی سخن می‌گویند (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۳۱ و ۲۳).

۲ - آسیاب آبی.

طاحونه‌های سربندان چگونه بوده است؟ ۳- چه ابعاد فرهنگی مرتبط با طاحونه در سربندان وجود داشته است؟ نگارنده برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، با استفاده از روش توصیفی، داده‌های حاصل از میدان تحقیق را جمع‌آوری و تحلیل کرده است.

۱. پیشینه پژوهش

با مرور پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه مطالعاتی، می‌توان دریافت که در مورد موضوع عام پژوهش حاضر، یعنی آسیاب آبی، با توصیف‌های غنی و گسترده‌ای روبرو هستیم. سابقه توجه و بررسی آسیاب‌ها در فرهنگ ایرانیان را می‌توان از قرون ابتدایی هجری شناسایی کرد؛ چنانکه جغرافی‌دانان آن اعصار مانند ابن حوقل، استخری و مقدسی در آثار خود از آسیاب‌های شهرها و آبادی‌های ایران یاد کرده‌اند. بسیاری از سیاحان و جهانگردان غربی نیز هنگام بازدید از ایران و گذر از شهرها و روستاها، به آسیاب‌های آن نقاط توجه کرده و نکاتی را در مورد کم و کیف آن‌ها اظهار داشته‌اند. به عنوان نمونه، شاردن، جهانگرد فرانسوی، از آسیاب‌هایی یاد می‌کند که قادر بودند چهار سنگ آسیاب را همزمان به حرکت درآورند (سرافرازی، ۱۳۷۳: ۳).

بررسی‌های علمی در زمینه آسیاب و آسیابانی به نیم قرن اخیر برمی‌گردد. آثار منتشر شده در این زمینه، علاوه بر کتاب و مقاله، شامل برخی پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌هایی است که مطالعاتی هم‌عرض یا نزدیک به اهداف این مقاله انجام داده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کارهای اکبر شریفی‌نیا (۱۳۹۸)، موسی‌الرضا غربی (۱۳۹۶)، علی‌اصغر رمضان‌زاده (۱۳۹۵)، رضا سرفراز (۱۳۷۳)، کراگری (۱۳۹۷)، مسعودی (۱۳۹۷)، رفیع‌فر (۱۳۹۴)، صالحی (۱۳۹۳)، فرح‌زا (۱۳۹۰)، شاه‌حسینی (۱۳۸۲)، مختاباد (۱۳۷۷)، بلوکباشی (۱۳۶۷) و پاپلی‌یزدی (۱۳۶۳) اشاره کرد. اما درباره موضوع خاص این پژوهش، یعنی «نقش بیگ‌ها و خان‌های سرپنج سربندان در تأسیس و گسترشِ نَاش (طاحونه)»، تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. بنابراین، مقاله حاضر تلاشی است برای شناخت و مطالعه آسیاب‌های سربندان و معرفی بانیان اصلی آن‌ها.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، تحقیق میدانی به شیوه مردم‌نگاری است. در مردم‌نگاری، به عنوان عمده‌ترین راهبرد روش‌شناختی در انسان‌شناسی، گردآوری داده‌ها همواره تابع پرسش تحقیق و

شرایط میدان است (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۵۳). همانطور که پیشتر اشاره شد، مطالعه حاضر معطوف به بررسی پدیده آسیاب آبی و فرهنگ مرتبط با آن در جامعه روستایی سربندان، واقع در ۲۴ کیلومتری شهرستان دماوند، است.

با توجه به اینکه پدیده مذکور امروزه به عنوان عنصری زنده و دارای کارکرد در این فرهنگ حضور ندارد، بیشتر از روش گذشته‌نگر و تاریخی برای بررسی آن استفاده شده و از روش‌شناسی کیفی^۱ شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی بهره گرفته شده است. برای این منظور، نگارنده جهت فهم فرهنگی پدیده مورد مطالعه در این جامعه، با حضور مردم‌نگارانه در محل، ضمن مشاهده و مستندسازی بقایای آسیاب‌های روستا به وسیله یادداشت‌برداری، عکس‌برداری و فیلم‌برداری، از مصاحبه مردم‌نگارانه و تاریخ شفاهی، به عنوان یکی از معمول‌ترین راهبردهای مورد استفاده در پژوهش‌های کیفی (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴: ۳۶۳) بهره برده است.

جامعه پژوهش را تمامی اهالی روستای سربندان تشکیل می‌دهند. با توجه به ماهیت کیفی مطالعه و به منظور فهم عمیق پدیده و کشف رابطه فناوری آسیاب با خان‌ها، نمونه‌گیری هدفمند^۲ و با حجم کوچک انتخاب شده است. نمونه پژوهش شامل شانزده نفر از افراد باتجربه بود که از اقدامات سرپنجه‌ها در ساخت آسیاب آبی (طاحونه) اطلاع داشتند. در این مطالعه، نگارنده پس از ورود به روستا و مراجعه به شورای ده و پرس‌وجو از شورایاری، فهرستی از افراد باتجربه‌ای که اطلاعاتی درباره بیگ‌های این روستا داشتند را به دست آورد. به مرور زمان به این افراد مراجعه شده و مصاحبه‌هایی با دامنه ۶۰ تا گاهی ۱۲۰ دقیقه با آن‌ها انجام شد. در این مصاحبه‌ها، سؤال‌های مشابهی به صورت نیمه‌ساختارمند مطرح شد، مانند: «روستا چند آسیاب دارد؟»، «چه افرادی این آسیاب‌ها را ساختند؟»، «اصطلاح محلی آسیاب آبی در سربندان چیست؟»، «لطفاً توضیحی در مورد معماری بنای آسیاب می‌دهید». با این حال، مصاحبه‌شوندگان آزاد بودند تا پاسخ‌های خود را به هر شیوه‌ای که مایل بودند (مانند ارائه عکس) ارائه دهند (عکس، ۳؛ ضمیمه). مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری^۳ ادامه یافت و پس از مصاحبه با شانزدهمین فرد، این اشباع حاصل شد.

^۱ - Qualitative

^۲ - نمونه‌گیری هدفمند (Purposive sampling) انتخاب نمونه‌های خاصی مد نظر است که اطلاعات زیادی در مورد موضوع مورد نظر داشته باشند.

^۳ - اشباع به این معنی است که هیچ داده جدید و اضافه‌ای که پژوهشگر بتواند ویژگی‌های مقوله‌ای را توسعه دهد، یافت نشود.

۳. ادبیات و مبانی نظری پژوهش

انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند که به صورت جمعی زندگی می‌کنند و به جز موارد اندک و نادر که ناشی از اجبار است، تک‌زیستی در هیچ کجای دنیا گزارش نشده است. اجتماعات انسانی بر پایه امکانات مشترک قابل بهره‌برداری و همچنین روابط و کنش‌های متقابل میان افراد شکل گرفته‌اند. بسیاری از جوامع اولیه در مناطقی تشکیل شده‌اند که قابلیت ایجاد آبادانی داشته و افرادی این اجتماعات را پایه‌گذاری کرده‌اند که نسبت به یکدیگر تعلقات ذهنی و فکری خاصی داشته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت دارایی‌ها و ثروت‌های عمومی افراد، عامل گردهم آمدن آن‌ها و به عبارتی، سرمایه‌های موجود، باعث تشکیل گروه‌ها و اجتماعات مختلف می‌شوند. هر جامعه‌ای به طور کلی دارای سرمایه‌هایی از قبیل سرمایه اقتصادی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی است.

۳-۱. رویکرد سرمایه اجتماعی به روستا

روستا، که در عرف به «ده» شناخته می‌شود، شامل محدوده‌ای از فضای جغرافیایی است که واحد اجتماعی کوچکی از تعدادی خانواده را در برمی‌گیرد. اعضای این جامعه نوعی احساس دلبستگی، عواطف و علائق مشترک نسبت به یکدیگر دارند و بیشتر فعالیت‌هایشان برای تأمین نیازهای زندگی، از طریق بهره‌گیری از زمین در محیط مسکونی آن‌ها صورت می‌گیرد. از این رو، سرمایه اقتصادی در جامعه روستایی شامل زمین کشاورزی، آب، ماشین‌آلات و ابزارهای کشاورزی (ادوات کاشت، داشت و برداشت محصولات)، بذر، کود، پول و موارد مشابه است.

در کنار این، سرمایه انسانی جامعه روستایی شامل همه افراد روستا، از کودکان و جوانان گرفته تا بزرگسالان و سالخوردگان، است. افراد این جامعه معمولاً دانش عمومی کم یا متوسطی در زمینه کشاورزی دارند. سرمایه انسانی اهمیت بیشتری نسبت به سرمایه اقتصادی دارد، زیرا در نبود نیروی انسانی کارآمد، سرمایه‌های اقتصادی نیز ناکارا یا کم‌اثر خواهند بود. در مقابل، وجود سرمایه انسانی مناسب می‌تواند کمبودهای سرمایه اقتصادی را با توانمندی‌های فکری و عملی انسان‌ها جبران کند. توانایی نیروهای انسانی در بهره‌گیری مؤثر از سرمایه اقتصادی موجود به شرایطی وابسته است که تحت عنوان «سرمایه اجتماعی»^۱ شناخته می‌شود.

^۱ - Social capital.

در بُعد توسعه روستایی، سرمایه اجتماعی به عنوان قدرت ارتباطات و عامل بهزیستی جمعی، نقش کلیدی دارد. سرمایه اجتماعی به نوعی برقراری ارتباط و ایجاد شبکه‌هایی در میان افراد یا گروه‌ها است که از طریق همکاری و همفکری می‌توانند مسائل و مشکلات را حل کنند. این مفهوم نگرشی نوین به روابط انسانی و نیازهای اجتماعی است و انگیزه‌هایی برای انجام فعالیت‌های جمعی ایجاد می‌کند.

سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان سرمایه‌گذاری و استفاده از منابع نهفته در دل روابط اجتماعی برای دستیابی به منافع مورد انتظار تعریف نمود. در واقع، این نوع سرمایه مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در یک سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری میان اعضای جامعه می‌شود و هزینه‌های ارتباط و تبادل را کاهش می‌دهد (افشانی و شیرینی محمودآباد، ۱۳۹۶: ۷).

در میان نظریه‌پردازان معاصر، مردم‌شناس فرانسوی پیر بوردیو^۱ اولین تحلیل سیستماتیک از سرمایه اجتماعی را ارائه داده است. او سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع بالقوه و بالفعل تعریف می‌کند که از عضویت در یک گروه به دست می‌آید و هر یک از اعضا با پشتیبانی از سرمایه جمعی، این منابع را فراهم می‌کنند (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۰). جیمز کلمن^۲ سرمایه اجتماعی را ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی می‌داند که به افراد امکان می‌دهد منابعی را به دست آورده و اهداف و منافع خود را محقق کنند (خسروانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹۲). رابرت پاتنام^۳ نیز سرمایه اجتماعی را مجموعه ویژگی‌های سازمان‌های اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که با ایجاد و تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود می‌بخشند (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵). فرانسیس فوکویاما^۴ معتقد است که سرمایه اجتماعی فقط زمانی معنا می‌یابد که بیش از یک فرد در آن مشارکت داشته باشد؛ بنابراین این مفهوم متعلق به گروه‌هاست. فوکویاما سرمایه اجتماعی را یک خیر عمومی می‌داند که هم برای اقتصاد و هم برای کل جامعه مفید است. او همچنین تأکید دارد که سرمایه اجتماعی عامل مؤثری در افزایش کارایی سایر اشکال سرمایه، از جمله سرمایه انسانی، اقتصادی و کالبدی به شمار می‌آید. در مقابل، پایین بودن سرمایه

1 - Pierre Bourdieu.

2 - James Kelman.

3 - Robert D. Putnam.

4 - Yoshihiro Francis Fukuyama.

اجتماعی باعث افزایش هزینه‌های نظارت، کنترل و نیز هزینه‌های ارتباطات و تبادلات در جامعه می‌شود (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۲).

به طور کلی، سرمایه اجتماعی یک عامل کلیدی پنهان در توسعه روستایی و بهره‌وری عوامل تولید به شمار می‌رود. این سرمایه به روابط میان انسان‌ها و نهادها تأکید دارد و شامل مواردی مانند قوانین، شبکه‌های اجتماعی، انجمن‌ها، نهادها، نقش‌ها و رویه‌ها می‌شود. روستاییانی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشند، به راحتی می‌توانند به منابع شناخت و آگاهی برای ارتقای تولید و ارزش افزوده دسترسی پیدا کنند. آن‌ها قادر به ایجاد فعالیت‌های اقتصادی جدید و همچنین حفاظت و بهبود فعالیت‌های اقتصادی موجود خواهند بود (حیدری ساربان، ۱۳۹۴: ۱۶۴).

شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی، شامل مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی است که اغلب صاحب‌نظران بر آن‌ها اتفاق نظر دارند (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۰).

۲-۳. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در کنار توسعه

۱-۲-۳. مشارکت اجتماعی

«مشارکت اجتماعی»^۱ از لحاظ لغوی، واژه‌ای عربی و از باب مفاعله است که معادل فارسی آن «همیاری» و «همراهی» است و مفهوم آن، با همدیگر عمل کردن، سهمی بردن از چیزی و کنش متقابل اجتماعی را دربرمی‌گیرد. از منظر مفهومی، مشارکت طیف وسیعی از تعاریف را شامل می‌شود. برخی مشارکت را در سه معنی به کار می‌برند: (۱) همکاری کردن یا شرکت داشتن در کاری، (۲) سهم داشتن در چیزی، و (۳) شریک بودن در اداره امور، مانند نقش خوانین سرپنج. مشارکت مستلزم آن است که افراد، در هر زمان و مکانی که لازم باشد، نیرو، توان و انرژی خود را در جهت افزایش کارایی و بهره‌وری گروه یا جامعه، به آن اختصاص دهند. چنین فعالیتی می‌تواند پاسخگوی نیازهای بهبود دائمی، واکنش به موقع، تفکر خلاق و دیگر چالش‌هایی باشد که یک جامعه یا سازمان با آن روبرو است. به طور کلی، مشارکت اجتماعی بر این اصل استوار است که هر فرد حق دارد نسبت به امور مربوط به خود احساس مسئولیت کند، درباره آن‌ها بیندیشد، اندیشه‌های خود را بدون ترس بیان کند و در تصمیماتی که بر زندگی او تأثیر دارند، مشارکت داشته باشد (شاطریان و حیدری شورجانی، ۱۳۹۶: ۱۹۵). از دیدگاه کاربردی نیز

^۱ - social participation.

مشارکت اجتماعی به فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه دلالت دارد که از طریق آن‌ها افراد یک جامعه در امور محله یا روستای خود شرکت می‌کنند (گرچی کرسامی و بابایی کارنامی، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

۳-۲-۲. اعتماد اجتماعی

«اعتماد اجتماعی»^۱ یکی از مؤلفه‌های اصلی و شاخص کلیدی در سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید. از دیدگاه پیوتر زتومکا^۲، اعتماد در ارتباط با شک و تردید نسبت به کنش‌های اجتماعی دیگران در آینده مطرح می‌شود. اعتماد اجتماعی، تمایل فرد به پذیرش ریسک در یک موقعیت اجتماعی است که این تمایل بر پایه حس اطمینان به این استوار است که دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل کرده و شیوه‌ای حمایت‌کننده در پیش خواهند گرفت. فرانسیس فوکویاما اعتماد را انتظاری می‌داند که در یک جامعه منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی خود را نشان می‌دهد. اعتماد اجتماعی یک عامل مهم در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شود (تاج‌الدین، ۱۳۹۱: ۲۲). به طور کلی، اعتماد اجتماعی را می‌توان به عنوان احساس امنیت، تعلق و اطمینان فرد به محیط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تعریف کرد (عبدالله‌زاده فرد، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

۳-۲-۳. انسجام اجتماعی

«انسجام اجتماعی»^۳ به وضعیتی اشاره دارد که در آن اجزای تشکیل‌دهنده یک جامعه به گونه‌ای به یکدیگر مرتبط می‌شوند که یک کل معنادار و مؤثر پدید می‌آورد. به عبارتی دیگر، انسجام اجتماعی نوعی ترتیبات اجتماعی است که تضمین می‌کند افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های گوناگون در سطوح مختلف به اشتراک ذهنی (مدل‌های ذهنی مشترک) برسند، قابلیت همکاری با یکدیگر را داشته باشند، به قوانین احترام بگذارند و بتوانند از امکانات جامعه بهره‌مند شوند. در مقابل، آن‌ها نیز توانمندی‌های خود را بر اساس هوش‌های چندگانه بازشناسی کرده و در اختیار جامعه قرار دهند که این به توسعه ظرفیت‌های جامعه منجر خواهد شد. انسجام اجتماعی شرایطی فراهم می‌کند که افراد از طریق همکاری، توانمندی‌های بالقوه موجود در جامعه را شناسایی و به کار گیرند. از نظر کالینز و هانمن^۴، انسجام به معنای احساس اخلاقی «باهم بودن» تعریف می‌شود. این احساس از طریق تعاملات اجتماعی و سازوکارهای بازتولید انسجام شکل می‌گیرد. کالینز بر این باور است که با افزایش توافق بر روی هنجارها و ارزش‌ها میان اعضای جامعه، دوستی و

^۱ - social trust.

^۲ - Piotr Sztompka.

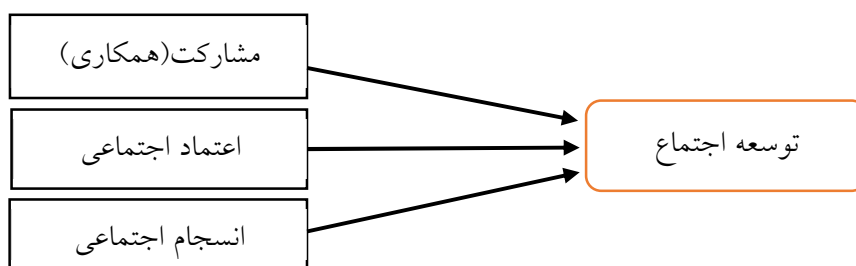
^۳ - Group cohesiveness.

^۴ - Collins & Hanneman.

تعامل مثبت گسترش یافته و زمینه‌ای برای انسجام بیشتر میان آنان فراهم می‌شود. همچنین بریدال^۱ معتقد است آگاهی از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک منجر به افزایش اعتماد اجتماعی می‌شود که خود باعث تقویت انسجام در میان اعضای جامعه خواهد شد (غنیمتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷).

۳-۲-۴. توسعه اجتماعی

«توسعه» در لغت به معنای گسترش دادن است و در اصطلاح، شامل تعریف‌های متعددی می‌شود. برخی از اندیشمندان توسعه را به عنوان تغییراتی کیفی در خواسته‌های اقتصادی، نوع تولید، انگیزه‌ها و سازمان تولید قلمداد می‌کنند. مایکل تودارو^۲ توسعه را یک روند چندوجهی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز فکر عمومی مردم، نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری، ریشه‌کن کردن فقر مطلق و کاهش نرخ بیکاری است. گونار میردال^۳ نیز توسعه را حرکت یک نظام یک‌دست اجتماعی به سمت پیشرفت تعریف می‌کند (موسایی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).



شکل ۱. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مسیر توسعه اجتماعی

۴. واژه‌شناسی و وجه تسمیه نَاش (طاحونه)

واژه «نَاش»^۴ (طاحونه)^۵ در اصطلاح محلی کردهای کرمانج منطقه سربندان، به معنای آسیاب آبی به کار می‌رود (مصاحبه نگارنده با ابراهیم قاسمی و حسین کریمی، ۱۳۹۹). آسیاب آبی، دستگاهی است که با نیروی آب به حرکت درمی‌آید و به آن «آب آسیا» یا «آس آب» نیز گفته می‌شود. در برخی مناطق ایران مانند خراسان، کرمان، اصفهان و تربت حیدریه، واژه عربی «طاحونه» نیز برای

^۱ - Bredahl.

^۲ - Michael Paul Todaro.

^۳ - Gunnar Myrdal.

^۴ - Eyş.

^۵ - Tähune.

اشاره به این نوع آسیاب به کار می‌رود (حیدرپور، ۱۳۹۹: ۱۳۳). واژه «آسیاب» در زبان فارسی و گویش‌های محلی، ترکیبی از دو جزء «آس» به معنی سنگ و «آب» است (بلوکباشی، ۱۳۶۷: ۳۷۱؛ محبی، ۱۳۸۳: ۱۶۰). در ابتدا، این واژه به صورت «آس آب» به کار می‌رفته است که در سیر تحولات آوایی، به شکل کنونی «آسیاب» درآمده است. همچنین با حذف صامت «ب» از انتهای واژه، به «آسیا» تبدیل شده که امروزه نیز کاربرد دارد (بلوکباشی، ۱۳۸۸: ۲۳۶). «آس کردن» به معنی آرد کردن غلات است (عمید، ۱۳۶۳: ۳۱). بسته به نیرویی که برای آرد کردن غلات به کار می‌رود، انواع مختلفی از آس‌ها شکل می‌گیرد، از جمله: آس دستی، آس بادی، آس ستوری (که با نیروی حیوانات کار می‌کند) و آس آبی یا آسیاب. بر این اساس، آسیاب‌ها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: دسته اول، آسیاب‌هایی که از نیروی باد برای حرکت استفاده می‌کنند و به آن‌ها «آسیاب بادی» می‌گویند؛ و دسته دوم، آسیاب‌هایی که با نیروی آب کار می‌کنند و «آسیاب آبی» نامیده می‌شوند. آسیاب‌های آبی از گذشته‌های دور، با توجه به شیوه معیشت کشاورزی و نیاز روزافزون جوامع به غلات، نقش بسیار مهمی در چرخه نظام اجتماعی روستاها و شهرها ایفا کرده‌اند.

۵. یافته‌های پژوهش:

۵-۱. معرفی میدان پژوهش

۵-۱-۱. موقعیت جغرافیایی سربندان

روستای سربندان، به عنوان مرکز دهستان ابرشیوه، یکی از دهستان‌های پنج‌گانه شهرستان دماوند در استان تهران محسوب می‌شود. این روستا در فاصله ۸۰ کیلومتری کلان‌شهر تهران و ۲۴ کیلومتری جنوب شرقی رشته‌کوه‌های البرز مرکزی واقع شده است (فرمانداری دماوند، ۱۳۹۳: ۲). سربندان مساحتی برابر با ۱/۱۹۳۵ هکتار دارد که ۱۵۳/۹۷ هکتار آن را بافت مسکونی تشکیل می‌دهد. از مجموع مساحت ساخته شده روستا، ۰۲۴/۷۷ هکتار به منازل مسکونی و ۱۲۹/۲۰ هکتار به سایر کاربری‌ها اختصاص یافته است. همچنین، ۱۴۰۰ هکتار اراضی زراعی و باغی به صورت پراکنده در اطراف روستا وجود دارد که بیشترین سطح اراضی کشاورزی در شمال غربی روستا واقع شده است (آفتاب، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی روستای سربندان (مصاحبه و دریافت نقشه از ابراهیم قاسمی،

۵-۱-۲. پیشینه مهاجرت طایفه کرمانج به سربندان

مهاجرت کردهای کرمانج به منطقه سربندان در چند دوره تاریخی رخ داده است. اولین مهاجرت در قرن یازدهم هجری قمری صورت گرفت؛ زمانی که کردهای کرمانج قوچان به دلیل سرپیچی از فرمان و شورش علیه نادرشاه افشار، به نارنج قلعه سربندان کوچانده شدند (آفتاب، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

دومین موج مهاجرت در قرن دوازدهم هجری قمری و در دوره کریم خان زند اتفاق افتاد. کریم خان زند به منظور نزدیکی به منطقه مازندران، محمدخان، جد اعلای حاجی امامقلی رجبی را از نواحی شمال خراسان به این منطقه، که در آن زمان به «چهارده» معروف بود، کوچاند (عزالدوله و ملکونوف، ۱۳۶۳: ۱۳۸؛ صادقی باجیگران، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۶).

آخرین کوچ عمده کرمانج‌ها به سربندان در دوره قاجار انجام شد. در این دوره، خان محمدخان به همراه دو طایفه «بوتانلو یا بودانلو»^۱ و «کوچانلو یا گی‌چول یا کچکانلو»^۲، شامل هفت خانوار گی‌چول و سه خانوار بوتانلو، به دلیل وجود منابع آبی فراوان (رود سیلابی با حجم ۲۵ اینچ) که از رشته‌کوه زرین‌کوه با ارتفاع ۳۹۰۰ متری سرچشمه می‌گرفت، تصمیم به اسکان در این منطقه گرفتند (هدایت، ۱۳۵۶: ۱۷۲؛ آفتاب، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

پس از استقرار در روستا، خان محمدخان اقدام به تأسیس آسیاب آبی، که در اصطلاح محلی «ناش» یا «طاحونه» نامیده می‌شد، در مرکز روستا و در مسیر رودخانه هفت چشمه (هفتگانه)^۳

^۱ - «دال» که در اصطلاح محلی به معنی بوی تلخ است به افرادی گفته می‌شد که خودخواه، خشن و بداخلاق بودند چون خودشان را بزرگ‌منش می‌دانستند کمتر با دیگران سازگار بودند و رابطه برقرار می‌کردند در کارها نیز کمتر مشارکت داشتند (مصاحبه میدانی با اهالی روستای سربندان).

^۲ - «گی‌چول» در اصطلاح محلی به معنی آرام و صبور است. رونق این اصطلاح در گذشته روستای به دلیل حضور طایفه‌ای بوده که سعی می‌کردند با اخلاق خوش، مهربانی، محبت، تواضع و خندان در همه کار به دیگران بدون چشم داشت کمک کنند و با خیرخواهی در کارها مشارکت فعال داشته باشند (همان).

^۳ - مصاحبه‌شوندگان اشاره کردند؛ هفت چشمه یا در اصطلاح محلی «هفتگانه» که به معنی تلاقی هفت رود نبود بلکه این نام را اهالی بخاطر خوش‌شانسی خود در حضور آب فراوان روی این قسمت قرار داده بودند. بخاطر این فرهنگ اعتقادی در گذشته این مکان برای مردم سربندان از اهمیت زیادی برخوردار بوده است برای همین مظهر برپایی آیین‌های خاص بود. برای مثال، مردم روستا عادت داشتند شب‌های جمعه در مظهر سرچشمه شمع روشن کنند یا در ایام محرم و به ویژه روزهای عاشورا عَلم‌گردان روستا، علامت دسته سینه‌زنی را از مسجد روستا تا هفت‌چشمه حمل می‌کرد و سپس با دسته سینه‌زنی از آنجا به سمت درخت آقاسید تقی می‌رفتند. در پی این آیین و اهمیت آب، درخت و طبیعت خداوند بود که در مصاحبه‌ای یکی از

کرد. اما پس از مدتی، به دلیل اختلاف با برادرزاده خود و مردم روستا، از سربندان به منطقه «آخربدین» (شاه‌آباد سابق و خرم‌دره فعلی) کوچ کرد (مصاحبه نگارنده با خسرو شادلوئی، ۱۴۰۰). از این تاریخ به بعد، بزرگان ده طایفه با نام‌های «امیرگونه سلطان»، «نصراالله خان بیگ»، «جعفر بیگ»، «یعقوب بیگ»، «علیمردان بیگ»، «ذوالفقار خان»، «علی مشیرخان»، «بشیرخان»، «نوروز حاجی خان» و «علیخان سلطان» با یکدیگر متحد شدند تا به امور مربوط به توسعه، آبادانی و مسائل فرهنگی روستای سربندان بپردازند. آن‌ها پس از اتحاد، اصطلاح محلی «سرپنج»^۱ را برای این مجموعه در نظر گرفتند (مصاحبه نگارنده با حاج علی رحیمی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر، اقوام کرمانجی که به سربندان مهاجرت کردند، در قالب ده خانواده یا ایل بزرگ بودند که هر یک از این خانواده‌ها دارای زیرمجموعه‌هایی نیز بودند. نمایندگی هر ایل بر عهده یک فرد به عنوان بزرگ‌تر آن ایل بود که او را «سرپنج» می‌نامیدند. سرپنج‌ها مسئول بودند تا برای انجام هر اقدامی، مانند تقسیم آب رودخانه یا بهره‌برداری از منابع طبیعی کوه و دره، با یکدیگر همفکری کنند و از این طریق، توسعه و نظم اجتماعی روستا را تضمین نمایند.

۳-۱-۵. موقعیت جغرافیایی طاحونه‌ها

در طول مسیر رودخانه سربندان، سه طاحونه سنتی ساخته شده بود (عکس ۲). اولین طاحونه در دره‌ای خارج از روستا و قبل از منطقه «هفت چشمه» قرار داشت. طاحونه دوم بعد از «هفت چشمه» و بر روی تپه‌ای کنار آبشار واقع شده بود. و طاحونه سوم، که در ادامه به تفصیل توضیح داده می‌شود، بعد از «سربندی»^۲ و در داخل روستا قرار داشت.

نخستین طاحونه توسط «خان محمدخان» تأسیس شد. این طاحونه در آن زمان، از نظر مکانی، در وسط آبادی و پایین دامنه کوه «دوپستان» ساخته شده بود. دلیل انتخاب این مکان، وجود آب

اهالی اشاره کرد «من خودم با چشم دیدم که روز عاشورا نوری از سرچشمه هفتگانه به سمت درخت آفاسید رفت.» اما امروزه بخاطر لوله‌کشی آب و تغییر تفکر مردم از چشمه هفتگانه تنها شاید اسمی در اذهان بزرگان ده به یادگار مانده باشد که نسل‌های امروزی نیز از آن ناآگاه هستند.

۱ - بزرگان ۱۰ طایفه آب رودخانه سربندان را برای پنج طایفه به ده (۱۰) قسمت تقسیم کردند و هر روز که بیست و چهار (۲۴) ساعت مخصوص است آب رودخانه مخصوص یک طایفه بود. برای این منظور سرپنج هر طایفه آب را دریافت می‌کرد و سپس بین اعضاء طایفه‌اش تقسیم می‌کرد.

۲ - اولین ایستگاه به بند می‌رسید که در اصطلاح محلی «سربندی» نام دارد. سربندی جایی که آب سربندان برای تقسیم دو شاخه می‌شود. اینجا ایستگاه مدیریت میراب‌ها نیز است.

خروشانی بود که از رودخانه هفت چشمه (هفتگانه) به سمت روستا جریان داشت و برای حرکت چرخ‌دنده‌های سنگ‌های آسیاب بسیار مناسب بود.

با گذشت زمان و پس از کوچ خان محمدخان به روستای دیگر، یکی از سرپنچ‌ها به نام «موسی‌خان»، متوجه شد که آسیاب اول ظرفیت آرد کردن گندم تمام اهالی را ندارد. به همین دلیل، آسیاب دوم، که به «آسیاب وسط» معروف شد، را روی دامنه کوه دوپستان و در ارتفاعی بالاتر از آسیاب اول بنا نهاد. این آسیاب مورد استفاده تمام اهالی سربندان قرار گرفت.

با توجه به اینکه کشاورزان روستاهای مجاور نیز برای آرد کردن گندم خود به طاحونه‌های سربندان مراجعه می‌کردند، سرپنچ‌ها تصمیم گرفتند آسیاب سوم را بر روی کوه «دره درگز» بسازند. این آسیاب در سمت چپ دره «مرغه‌زار» و روبه‌روی دره «سارخین» قرار داشت و به «آسیاب تنگه» معروف شد (مصاحبه نگارنده با ابوالقاسم کارگر، مسعود و حسین مرادی، ۱۳۹۹). چرخ‌های این آسیاب با استفاده از آب رودخانه‌ای که از «بند جبل» به سمت «قلمستان» در مسیر «بیدستان» می‌گذشت، کار می‌کرد. این آسیاب به عنوان تنها آسیاب ده شناخته می‌شد و سندی که از آن به جای مانده، نشان‌دهنده شیوه خرید و فروش آسیاب است که توسط بیگ‌ها انجام می‌شده است (تصویر ۱). به تدریج و در دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ شمسی، با تلاش سرپنچ‌ها و اهالی روستا، برق وارد سربندان شد. پس از آن، آسیاب برقی، که آسیاب چهارم محسوب می‌شد، در کنار جاده شوسه (راه رضاشاهی) ایجاد شد. این آسیاب برای چرخاندن سنگ‌های خود به جای آب از نیروی برق استفاده می‌کرد. با این حال، اجرای اصلاحات ارضی، کوچ سرپنچ‌ها و همچنین وقوع خشکسالی، به تدریج باعث از بین رفتن کشاورزی و در پی آن، تعطیلی و نابودی طاحونه‌ها شد (مصاحبه نگارنده با خسرو شادلوئی، ۱۴۰۰). به این ترتیب، روند توسعه طاحونه‌ها متوقف شد و در حال حاضر، تنها سنگ‌های آسیاب اول در کنار خیابان «سرآسیاب» باقی مانده و اثری از هیچ یک از آسیاب‌ها برجای نمانده است (عکس ۱ و ۲).



نقشه ۲. موقعیت نَاش‌ها سربندان بافت در تصویر ماهواره‌ای (Google Earth)



عکس ۲. بقایای مکان طاحونه تنگه در قلمستان (نگارنده، ۱۳۹۹)



عکس ۱. مخروبه سنگ‌های طاحونه یا در اصطلاح محلی گورژیر و زوناش سرآسیاب اول (نگارنده، ۱۳۹۹)



تصویر سند ۱. قبالة طاحونه تنگه سربندان (دریافت شده از آقای قاسمی، ۱۳۹۹)

بازخوانی متن سند ۱:

حاضر گردیدند، عالیشانان عیسی‌خان
بیگ محمد عیسی‌خان بیگ و محمد
اسماعیل، والدۀ کربلایی ابوالحسن ساکن
سربندان بفروختند شرعیه قریه علی مراد
والدۀ مرحوم کربلایی قاسم ساکن
سربندان از این نوشته شده باشد از این
کل شش دانگ ربع ماشا مشترک فی مابین
اخویان ماشالله موسی‌خان و کانه در قریه
سربندان از در تنگه و معدد است، اربعه
مقصره به کوه به رودخانه به بیدستان به
بند جبل به شرعیه مبلغ سه هان و شش
فینی سلطان مظفرالدین شاه فی المجلس
اخذ گردیده است، سه تومان شش قران و
فی القبالة دوباره موسی‌خان از نو فروخته،
حاضر گردید. موسی والدۀ کربلایی
ابوالحسن پسر اش ۱۳۱۰ در جمادی الثانی
در حاشیه این سند نیز آمده است: حاضر
گردید، موسی والدۀ کربلایی ابوالحسن
ساکن سربندان بفروخته یک قسمت از
طاحونه نیم ربع از شش دانگ بین سه
برادر که به مراد والدۀ کربلایی قاسم
سلطان فی المجلس بدوین گردید که
اختیارات سلب شده است. ۱۳۱۰

۵-۱-۴. معرفی عمومی اجزای کالبدی آسیاب‌های سربندان

عناصر معماری:

شرایط اقلیمی، دسترسی به آب، گستردگی، نوع و میزان مشتری و عوامل دیگری از این دست، ساختار معماری آسیاب‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که معماری و ساخت‌وساز آسیاب‌ها، حتی در یک روستا، با توجه به ملاحظات مذکور، با یکدیگر متفاوت هستند. با این حال، به‌طور کلی، سازه و معماری آسیاب‌های روستای سربندان را می‌توان از لحاظ فضایی و کارکردی به دو بخش اصلی تقسیم کرد:

۱. عناصر اصلی: این بخش شامل آن دسته از فضاهایی می‌شود که جزء اصلی سیستم آسیاب و فرآیند آسیابانی محسوب می‌شوند. این عناصر در تمامی آسیاب‌های بزرگ یا کوچک، چه مهم‌تر و چه کم‌اهمیت‌تر، وجود دارند و وجود آن‌ها برای اجرای فرآیند آسیابانی ضروری است.

۲. عناصر جنبی: این دسته شامل فضاهایی است که به‌طور مستقیم در فرآیند آسیابانی نقشی ندارند، اما به‌عنوان تسهیل‌کننده و مکمل این فعالیت عمل می‌کنند. عناصری چون تنورخانه، آغل احشام و فضاهای مشابه از این دست در این دسته قرار می‌گیرند. وجود یا عدم وجود این قسمت‌ها و حتی اندازه و فضای آن‌ها به اهمیت و بزرگی آسیاب وابسته است. در ادامه، عناصر و فضاهای معماری آسیاب‌های روستای سربندان در دو بخش مذکور بررسی می‌شود.

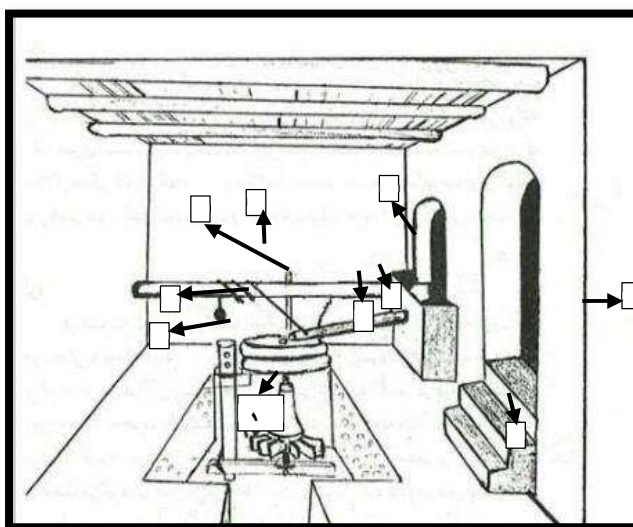
۵-۱-۴-۱. عناصر اصلی

الف) خینه:

«خینه»^۱ یا «نَاش»، همان خانه یا پایه آسیاب آبی است. این بخش معمولاً به شکل اتاقکی با ابعاد تقریبی حدود ۳ متر در ۴ متر ساخته می‌شود و به‌عنوان محلی برای قرارگیری سنگ آسیاب عمل می‌کند. مصالح مورد استفاده برای ساخت خینه، معمولاً از مواد بادوامی مانند سنگ و ساروج بوده است. این مصالح در نمای داخلی خانه آسیاب به‌وضوح مشخص هستند. ارتفاع خینه تا سقف نیز حدود ۲ متر است.

اجزای موجود در این بخش عبارت‌اند از: ۱. پله‌های ورودی به داخل «نَاش»، ۲. دول (دلو)، ۳. نو، ۴. زنگوله، ۵. طناب، ۶. تیرک (= پاس)، ۷. «سنگ رو» و «سنگ زیر»، ۸. پایه، ۹. چرخ پره و پره‌های آن (تصویر شماره ۱).

^۱ - čěyne.



تصویر ۱. داخل خینه نااش و اجزای دستگاه

در بررسی جنبه‌های سازه‌ای آسیاب‌های مورد مطالعه، استفاده از معماری خشتی با ویژگی‌هایی مانند دیوارهای قطور، در و پنجره‌های چوبی، و سقف مسطح قابل توجه است. بر اساس مصاحبه‌ها، مصالح به‌کاررفته در ساخت این آسیاب‌ها شامل موارد زیر بوده است: سنگ: به دلیل مقاومت و دوام بالا به‌عنوان یکی از مصالح اصلی استفاده می‌شد. خاک: از دامنه کوه‌های اطراف تهیه می‌شد و در ترکیب مصالح ساختمانی به کار می‌رفت. خشت: خشت‌ها معمولاً به‌صورت دستی و بدون استفاده از قالب ساخته می‌شدند. چوب: از تنه درختان ورس، که از کوه «دکیچایی» آورده می‌شد، تهیه می‌شد. چوب‌ها معمولاً ۴ تا ۵ متر طول داشتند و برای ساخت ستون‌ها یا سقف به کار می‌رفتند. بوته گیاه گون و جاج: برای پوشش سقف استفاده می‌شد. (مصاحبه نگارنده با رعنا و رمضان عزیزی، ۱۳۹۹)

ب) ورودی آسیاب (نااش)

در سه آسیاب مورد بررسی، فضایی وجود داشت که به‌عنوان حلقه اتصال مجموعه فضاهای داخلی آسیاب به دنیای بیرون عمل می‌کرد و می‌توان آن را ورودی آسیاب نامید.

درب ورودی: درب ورودی از جنس چوب محلی، معروف به «شووش»^۱، ساخته شده بود. این درب کوچک و کوتاه (حدود یک و نیم متر ارتفاع) طراحی شده بود تا از ورود سرمای کوهستان به داخل آسیاب جلوگیری کند. به همین دلیل، افراد برای عبور از آن مجبور بودند کمی سر خود را خم کنند.

پله‌ها: پس از ورود به اتاق، سه پله وجود داشت که فاصله آن‌ها تا سنگ‌های آسیاب حدود یک متر و سی سانتی‌متر بود. دو سنگ آسیاب نیز روبه‌روی درب ورودی قرار داشتند.

فضای ورودی آسیاب علاوه بر عملکرد اصلی خود در ارتباط با آسیاب، کارکردهای جانبی نیز داشت: ۱. آماده‌سازی غلات: پیش از فرآیند آسیاب‌کردن، غلات و حبوبات با الک غربال می‌شدند؛ این عمل که در اصطلاح محلی «بیژنگ»^۲ نامیده می‌شد، در این فضا انجام می‌گرفت. ۲. بسته‌بندی آرد: آردهایی که از سنگ آسیاب جمع‌آوری می‌شدند، درون گونی‌هایی که به آن «شوژن»^۳ (به معنای جوال دوز) گفته می‌شد، ریخته می‌شد. سپس این گونی‌ها با یک سوزن بزرگ موسوم به «ته‌ونه»^۴ دوخته می‌شدند. در نهایت، بسته‌های آرد بر روی چهارپایانی مانند اسب یا الاغ قرار داده می‌شدند. (مصاحبه نگارنده با کاظم عرب سرهنگی، ۱۴۰۱)

پ) انبار

دو آسیاب اول و دوم که در داخل روستا ساخته شده بودند، به دلیل دسترسی آسان اهالی به این آسیاب‌ها، فضایی به‌عنوان انبار نداشتند. در این حالت، پس از اتمام آرد کردن گندم خانواده‌ای، آسیابان برای تحویل گرفتن گندم خانواده بعدی اقدام می‌کرد. اما در آسیاب سوم که در تنگه‌ای دور از روستا قرار داشت، انبار به‌عنوان بخشی مجزا در طراحی بنا در نظر گرفته شده بود. این آسیاب از دو قسمت اصلی تشکیل شده بود: ۱. اتاق آسیاب: این قسمت، مشابه دو آسیاب دیگر، برای دستگاه آسیاب، محل نشستن آسیابان و توزین گندم و آرد در زمان آسیاب کردن، طراحی شده بود. ۲. انبار: به دلیل فاصله زیاد آسیاب از روستا، انباری برای نگهداری گندم‌ها ساخته شده بود. همچنین فضایی برای بستن چهارپایان حامل بار گندم به این بخش اختصاص داده شده بود.

۵-۱-۴-۲. اجزای فنی دستگاه آسیاب

^۱ - Šuš.

^۲ - Bižeh.

^۳ - Šužen.

^۴ - Tevene.

الف) گورِ ئاش (سنگ آسیاب)

«گورِ ئاش»^۱ به معنای سنگ‌های آسیاب است که به‌عنوان یکی از بخش‌های حیاتی دستگاه آسیاب شناخته می‌شود. محل استخراج این سنگ‌ها در «درهٔ اسب‌چال» واقع شده بود. این دره به دلیل منشأ آتشفشانی خود سنگ‌هایی مقاوم و مناسب برای آسیاب داشت.

مراحل استخراج و آماده‌سازی سنگ آسیاب: ۱. استخراج: فردی باتجربه و ماهر به بخشی از دره ضربه می‌زد تا محل مناسب برای جدا کردن سنگ مشخص شود. سپس سوراخ‌هایی به فاصله ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر از هم و به عمق ۱۰ سانتی‌متر ایجاد می‌شدند. این سوراخ‌ها با کلنگ کنده می‌شدند. دو قطعه آهن وسط سوراخ‌ها قرار داده می‌شد و سپس با پتک به این آهن‌ها ضربه وارد می‌کردند تا تخته‌سنگ بزرگی از کوه جدا شود. ۲. تراش سنگ: پس از جدا شدن تخته‌سنگ، چهار گوشه آن علامت‌گذاری می‌شد و سپس به شکل دایره تراش داده می‌شد. سنگ را با کمک ده نفر از اهالی روستا برمی‌گرداندند تا سمت دیگرش نیز به همین صورت تراش داده شود. در مرکز سنگ سوراخی ایجاد می‌شد که با چوب «وِرس»^۲ پر می‌شد تا در زمان حمل، سنگ آسیبی نبیند. ۳. حمل و انتقال: پس از تکمیل تراش و صیقل کاری، سنگ توسط طناب به الاغ بسته می‌شد و به محل مورد نظر انتقال داده می‌شد.

ساختار سنگ‌های آسیاب: سنگ زیرین: در گویش محلی «گورِ ژیر»^۳ نامیده می‌شد و همیشه ثابت بود. این سنگ دارای طول ۶۰ سانتی‌متر و ضخامت بیش از ۵ سانتی‌متر بود. سنگ روین: به نام «گورِ زو»^۴ شناخته می‌شد و با نیرو محرکهٔ پره‌های چرخ آسیاب از طریق محوری افقی می‌چرخید. این سنگ، به طول ۲۰ سانتی‌متر، همیشه متحرک بود.

فرآیند آسیاب کردن: گندم یا جو از طریق سوراخی که در مرکز سنگ روین ایجاد شده بود، وارد سنگ‌ها می‌شد و پس از عبور از میان دو سنگ، به آرد تبدیل می‌گردید.

نگهداری سنگ‌ها: پس از مدتی استفاده از سنگ‌ها، ناهمواری‌هایی در سطح آن‌ها ایجاد می‌شد. برای رفع این مشکل، آسیابان با ابزاری شبیه چکش که در اصطلاح محلی «سنقری»^۵ نامیده می‌شد، سطح سنگ‌ها را صاف و هموار می‌کرد. (مصاحبه نگارنده با محمدرضا رضازاده، ۱۴۰۰)

^۱ - Gavere Eyş.

^۲ - منظور درخت جنگلی ارس است.

^۳ - Gavere Žir.

^۴ - Gavere Zur.

^۵ - Sonqori.

ب) نو نَاش

«نو نَاش»^۱ یکی از مهم‌ترین بخش‌های سیستم فنی آسیاب است که وظیفه انتقال نیروی محرکه آب رودخانه برای چرخش چرخ‌های آسیاب را برعهده دارد. این بخش از دستگاه در مسیر رودخانه قرار می‌گیرد و آب را از سطح بالا به پایین هدایت می‌کند.

مراحل ساخت نو: ۱. پس از تعیین محل و اندازه اتاق آسیاب و ایجاد سوراخی در کف اتاق، چوب‌ها به‌صورت ناودانی تراش داده می‌شدند. ۲. لوله‌ای به شکل مخروط وارونه و با عمق حدود پنج متر، بسته به شدت جریان آب، در مسیر قرار می‌گرفت.

ساختار و عملکرد نو: نو دارای خروجی باریکی بود که قطر دهانه آن تقریباً به اندازه سه برابر انگشت میانی طراحی می‌شد. این ساختار باعث می‌شد که آب با فشار زیاد از دهانه خارج شده و بر روی پره‌های چرخ آسیاب بریزد. پاشش مستقیم آب بر پره‌ها چرخ آسیاب را به حرکت درمی‌آورد و نیروی لازم برای فرآیند آسیاب تأمین می‌شد.

پ) پَره

پره‌ها، یکی از اجزای اصلی آسیاب، به‌صورت یک چرخ چوبی بزرگ با طراحی زنبوری بودند که با نیروی جریان آب کار می‌کردند. عملکرد این بخش همانند توربین آب بود. پره به سنگ روئین آسیاب وصل شده و با چرخش خود، سنگ روئین را به حرکت درمی‌آورد.

ساختار پره: پره‌ها از جنس چوب بودند و الوارهای چوبی تخت به سطح خارجی آن به صورت افقی وصل می‌شدند. این پره‌ها در زیر سنگ‌های آسیاب تعبیه شده و درست در مسیر جریان آب قرار می‌گرفتند تا انرژی لازم برای حرکت سنگ‌ها تأمین شود. (مصاحبه نگارنده با ابراهیم غفاری، ۱۴۰۰)

ت) کوندی نَاش (مخزن گندم/جو)

«کوندی»^۲ یا مخزن گندم و جو، که در اصطلاح محلی «دول نَاش»^۳ نامیده می‌شد، بخش نیم‌دایره‌ای رف‌مانندی بود که در نیم‌طبقه بالای سنگ قرار داشت. آسیابان با بالا رفتن از یک پله، گندم یا جو را از داخل کیسه به مخزن می‌ریخت. گندم‌ها از مخزن به وسیله ناودان وارد سوراخ سنگ آسیاب می‌شدند و فرآیند آسیاب کردن آغاز می‌شد.

^۱ - No Eyş.

^۲ - Kavedi.

^۳ - duel.

ح) ناودان

ناودان وسیله‌ای چوبی بود که از تنه درخت تهیه می‌شد. برای ساخت ناودان، قسمت داخلی تنه درخت را خالی می‌کردند تا ساختار ناودانی شکل بگیرد. یک سر ناودان گشاد و سر دیگر آن باریک بود. وظیفه اصلی ناودان هدایت گندم یا جو به سمت سنگ رویین آسیاب بود. گندم از داخل مخزن به وسیله ناودان وارد سوراخ سنگ رویین شده و به مرور آرد می‌شد.

خ) پاس گور (تنظیم‌کننده سنگ آسیاب)

«پاس»^۱، که در اصطلاح محلی شناخته می‌شود، ابزاری چوبی بود که وظیفه تنظیم فاصله سنگ‌های آسیاب را برعهده داشت. این ابزار به آسیابان امکان می‌داد تا گندم‌ها را به‌صورت نرم یا درشت آسیاب کند. پاس از یک چوب به طول تقریباً یک متر و نیم با قطر ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر ساخته می‌شد. این چوب به سنگ رویین، که متحرک بود، متصل می‌شد و از طریق آن می‌توانست ضخامت و میزان فشار سنگ را تنظیم کند. چوب پاس به ضخامت سنگ و طول حدود ۴۰ سانتی‌متر، با ضربه‌های چکش محکم می‌شد. گندم‌ها از اطراف چوب وارد سوراخی در مرکز سنگ رویین شده و بین دو سنگ آسیاب قرار می‌گرفتند.

ج) زنگوله پاس:

زنگوله‌ای به پاس متصل بود که علاوه بر نقش تنظیم‌کننده، صدایی مانند «تق، تق، تق» ایجاد می‌کرد. این صدا در فضای آسیاب پخش شده و علاوه بر ایجاد نغمه‌ای دلنشین، به‌عنوان هشدار برای آسیابان عمل می‌کرد. تغییر صدا نشان‌دهنده قطع یا نامنظمی در عملکرد آسیاب بود. بر اثر حرکت سایشی دو سنگ گندم‌ها به آرد تبدیل شده و آرد حاصل در «آخور»^۲ ریخته می‌شد. (مصاحبه نگارنده با اکبر حسن‌نیا، ۱۴۰۰)

چ) یاکیک (قپان) گه‌نم

«یاکیک»^۳ یا «قپان»^۴، وسیله‌ای برای اندازه‌گیری وزن گندم، جو یا دیگر حبوبات بود. این ترازو یکی از ابزارهای ضروری در آسیاب به شمار می‌آمد. قپان دارای دو بخش اصلی بود: سَرَسبک: برای اندازه‌گیری اجناس با وزن کم. حلقه سبک‌تر در نزدیکی میله قپان قرار می‌گرفت. سَرَسنگین:

^۱ - Päs.

^۲ - äxore.

^۳ - Yäkik.

^۴ - gopan.

برای اندازه‌گیری اجناس با وزن سنگین. حلقه سنگین‌تر در طرف دورتر از میله قپان قرار داشت. در وسط قپان، یک حلقه آهنی وجود داشت که به یک دسته چوبی به طول حدود دو متر وصل بود. آسیابان یا فرد دیگری، مانند همسرش یا دستیار، گندم‌ها را بر روی دو طرف قپان می‌گذاشتند. وزن گندم‌ها تنظیم می‌شد تا تراز دو طرف قپان دقیقاً یکسان شود. (مصاحبه با حسین مرادی، ۱۳۹۹)

۵-۱-۵. آسیابانی طاحونه

شغل آسیابانی، همزمان با شکل‌گیری و گسترش آسیاب‌ها به وجود آمد. آسیابان نه تنها باید یک صنعتگر ماهر در نگهداری آسیاب یا به اصطلاح محلی «داگترپتن»^۱ (به معنای تعمیر و نگهداری) می‌بود، بلکه در گذشته نقش مهمی در فرایند تولید و تهیه نان (کالایی اساسی و راهبردی) برعهده داشت.

مسئولیت‌های آسیابان: مراقبت از امنیت غذایی و جلوگیری از سوختن یا درشت شدن آرد. تنظیم سرعت گردش سنگ آسیاب بر اساس صدای زنگوله. تشخیص و رفع نقص فنی در دستگاه آسیاب با توجه به تغییرات صدای زنگ. (مصاحبه نگارنده با ابراهیم قاسمی، ۱۳۹۹) آسیابان باید از مهارت و تجربه کافی برخوردار می‌بود تا با شنیدن صدای زنگ، از وضعیت دستگاه مطلع شود. در بسیاری از موارد، مهارت آسیابان‌ها از همین طریق سنجیده می‌شد. به همین دلیل، آسیابان همواره به صدای زنگ توجه داشت و اصطلاحاً «حساب زنگوله دستش بود» تا در صورت بروز مشکل، دستگاه را تنظیم کند. در گذشته، این ضرب‌المثل که «حواست به زنگ باشد» در میان اهالی روستا رایج بود.

شرایط احراز شغل آسیابانی: لزوماً مالک آسیاب نبود و می‌توانست فردی بدون زمین کشاورزی باشد که آسیاب را اجاره کرده است. آشنایی با سامانه فنی و تکنیکی آسیاب و توانایی انجام تعمیرات.

وظایف تعمیراتی آسیابان: هرزآب کردن (هدایت آب به مسیری دیگر برای متوقف کردن فعالیت آسیاب). سنقری کردن (تراشیدن دندان‌های ساییده شده سنگ آسیاب با ابزار مخصوص). تعویض غربال‌های فرسوده و پاک‌سازی غلات از خاک و خاشاک پیش از آسیاب‌کردن. همکاری

^۱ - Däerten.

و تعامل با اهالی روستا از نکات قابل توجه در الگوهای فرهنگی این روستا و قوم کرمانج بود. (مصاحبه نگارنده با مریم بینش جو و عزیز رضانی، ۱۳۹۹)

آداب و اخلاق حرفه‌ای آسیابانی: کارکرد اساسی آسیابان در تأمین نیاز اساسی روستا، مجموعه‌ای از آداب و اخلاق حرفه‌ای را در برمی‌گرفت، از جمله: پاسداری و حفاظت از آسیاب. امانت‌داری و عدم دزدی از گندم‌های امانی. جلوگیری از سوختن آرد. وزن‌کردن درست گندم و آرد. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده اهمیت امانت‌داری در این شغل بود. مالکان آسیاب‌ها (بیگ‌ها و خوانین) خود آسیابان را انتخاب می‌کردند و ترجیح می‌دادند آسیابان متأهل باشد تا همسرش نیز در کار آسیابانی مشارکت داشته و در فرایند تهیه آرد و بسته‌بندی آن همکاری کند.

۶-۱-۵. ادبیات شفاهی (ضرب‌المثل)

ضرب‌المثل‌ها، بخشی از زبان روزمره هستند با ساختاری محکم و روان، معنایی کنایی و کاربردی عام که دربرگیرنده بزرگترین و وسیع‌ترین مفاهیم اخلاقی و تربیتی بوده که با توجه به اصالت و محتوای آن از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. همان‌گونه که زندگی انسان‌ها دارای ابعاد گوناگونی است، ضرب‌المثل‌ها دارای جنبه‌های مختلفی را دربر می‌گیرند. در این قسمت با همکاری آقای رسول ذوالفقاری به چند ضرب‌المثل در مورد آسیاب و آسیابانی پرداخته می‌شود.

۱-موضوع: ایمان و عمل (خداشناسی)

آسیابان فقط ناو خادی رند بلده
 Āsiābān fagat nave xādy rende
 balade

آسیابان فقط نام خدا را خوب می‌داند.

خداجویی یکی از خواست‌ها و نیازهای اساسی انسان است و نوعی شناخت فطری او را با مبدأ آفرینش آشنا و مرتبط می‌سازد. بر طبق این مثل ایمان به آفریننده‌ای دانا و توانا نزد آسیابان امری است، فطری که موجب رونق رفتارهای خوب او می‌شود.

۲-موضوع: خدمت رسانی (همکاری، خیرخواهی)

ناش دچرخه گو خلگ نون بخن
 Eyš dačarxeh go xalge k,k baxen

آسیا از پی رزق دگران می‌گردد.

خدمت عملی است که عامل، در آن، با اندیشه و انگیزه‌ی گره‌گشایی به رفع و فتح امور مربوط به مردم می‌پردازد. علاوه بر انگیزه یابوری و احسان به هم نوعان، در حد طاقت، خویش را مسئول

گره‌گشایی و رفع نیاز بندگان خداوند می‌داند. خدمت کردن مفهوم گسترده‌ای دارد و همه امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در بر می‌گیرد و به گذشت، فداکاری، ایثار و تحمل رنج و سختی در همه این امور، خدمت و خدمت‌گزاری، صدق می‌کند.

۳-موضوع: پیروی از قوانین

نَاش یه باو دجی گو به، نووتیه
Eyş ye bāv deji go be, noveteh

آسیاب از پدرت هم که باشد به نوبت است.

یا در جای دیگر گفته می‌شود:

کار نَاش ی بند اب شروع دوه
Kāre eyş ye bande āb šuru?dore

آسیاب از آب‌بند شروع می‌شود.

انسان موجودی اجتماعی است و برای این‌که به کمال و موفقیت برسد، باید درون خود ارزش‌هایی را به وجود آورد که همان‌ها اثر خود را بر جامعه گذاشته تا آن جامعه را تبدیل به جامعه مطلوبی کند. احترام انسان‌ها به حقوق اجتماعی دیگران اساس و بنیان زندگی اجتماعی است. رعایت حقوق دیگر افراد به نفع همه می‌باشد و اگر رعایت نشود یا به دلیل جهل و بی‌خبری افراد است یا به خاطر خودخواهی و توجه به منافع شخصی و اگر افراد نسبت به وظایفی که به هم دارند، آگاه و به آن پایبند باشند، اختلاف و دعوای پیش نمی‌آید و اگر هم پیش آید به راحتی قابل حل است. همه افراد نسبت به یکدیگر حقوقی دارند و در نتیجه نسبت به هم وظایفی دارند. این حقوق به صورت دو جانبه است نه یک طرفه. اگر افراد این حقوق را بشناسند و به آن عمل کنند، بسیاری از نزاع‌ها برچیده می‌شود و جامعه‌ای با روابط سالم و دوری از حق‌کشی و ظلم و محرومیت به وجود می‌آید. این ضرب‌المثل در پی بازگو کردن و احیاء چنین مهارتی در انسان‌ها در این روستا بوده است.

در این رابطه مثل دیگری است که آسیابان بدون توجه به رعایت حقوق فردی و اجتماعی دیگران و با انگیزه‌های متخلف به پنهان ساختن آرد یا اشیاء آسیاب که برای دیگران است، نمی‌پردازد و از این طریق حق دیگران را ساقط نمی‌کند تا خود و خانواده‌اش بتوانند به ناحق از آن‌ها به نفع خودشان استفاده کنند.

نَاش دوه‌گوگیم کارگه ولی اگه اصلا ارد نگه
Eyşdu hegogeym kārgeh valy aqe

aslan ārdnegahadvāš eyneh

ادواش ئینه

آسیابان بد باشد، از حقش بیشتر نمی‌تواند
بردارد.

۴-موضوع: دعوت به صبر و شکیبایی

آدمِ عاقل باید گورِ بن‌ناش بوه
Adame ?āqel bāyad gaver ben eyş
bove

آدم دانا باید سنگ زیرین آسیاب باشد

صبر و شکیبایی یکی از راه‌های مقاومت انسان در شرایط دشوار است؛ که می‌تواند اشاره به پایداری نشان‌دادن انسان در برابر موقعیت‌های تحریک یا تأخیر باشد بدون آنکه باعث دلخوری یا خشم یا سایر راه‌های منفی شود. خویش‌داری میزان سطحی از تحمل فرد است، پیش از این که فرد واکنش منفی نشان دهد. هم‌چنین این لغت به منظور اشاره به صفت و فضیلت ثابت‌قدم بودن و تعجیل نکردن شخص در امری به کار می‌رود؛ که متضادهای آن عجله و عجزول بودن است. خویش‌داری نمادی از تحمل هر انسان در زمانی است که وی تحت فشار و شرایط محیط بوده و به ویژه هنگامی که با مشکلات طولانی مدت مواجه شده باشد. در صورتی که فردی بتواند اندیشه و رفتار خود را به گونه‌ای تنظیم کند که فشارهای درونی و بیرونی متوقف شود، سپس کاری را انجام دهد که باور دارد درست و به جاست، می‌توان او را خویش‌داری نامید. درشت ستاندن و نرم بازپس دادن و از روی دانایی رفتار کردن مصداق‌های صبر در ضرب‌المثل یاد شده هستند.

۵-موضوع: دعوت به انسجام و همبستگی

ناش دو گور هیه، حوالد جی دو طرفیه
Eyş dugaver hie, havâld ji dutarafe
آسیاب باید دو سنگه باشد و دوستی دو سره

انسجام اجتماعی یا مسئولیت آگاهی از منافع، اهداف، معیارها، و همدلی‌های مشترکی است که منجر به خلق احساس وحدت در میان گروه‌ها و طبقات می‌شود. این ضرب‌المثل که درس اتحاد و همبستگی و تعاون را می‌دهد در راستای تعلیم و تربیت بالاترین و بهترین پند و ارزش است.

نتیجه‌گیری

طاحونه‌های سربندان، بازتابی از دانش عمیق، دوراندیشی و اهتمام بزرگان سرپنج، می‌توانست میراثی پایدار و سرمایه‌ای اجتماعی ارزشمند باشد که در راستای توسعه روستا مورد بهره‌برداری

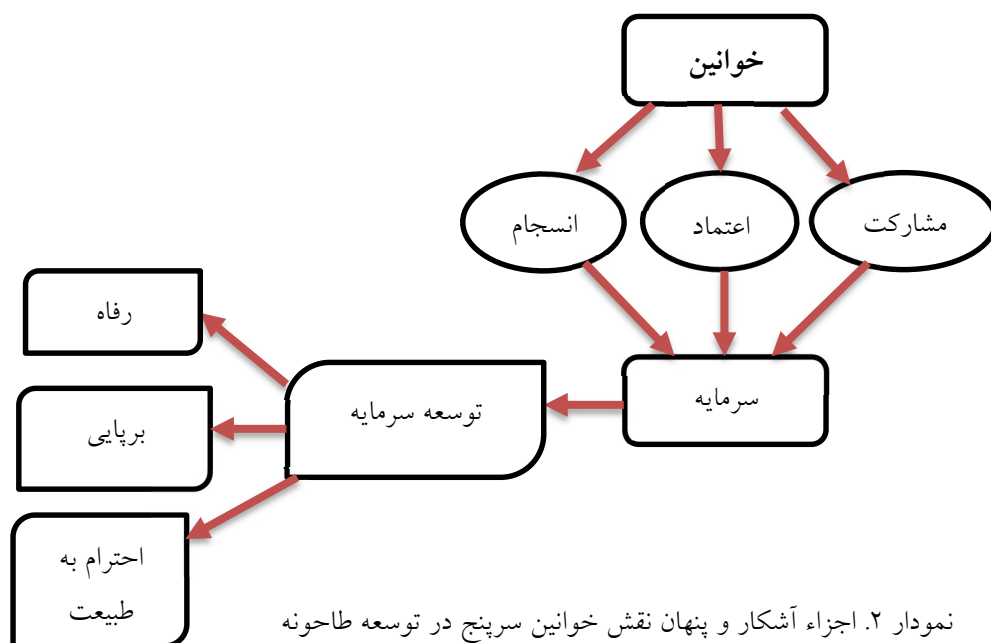
قرار گرفت. اتخاذ الگویی متناسب با هنجارهای سنتی، فرهنگی و اجتماعی، گواهی بر نقش برجسته سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی روستا است. متأسفانه، از دهه ۱۳۴۰ شمسی به تدریج و در پی درگذشت بزرگان سرپنج، مهاجرت خانواده‌ها به شهرها و عدم بازسازی و مرمت، این سازه‌های کاربردی رو به ویرانی نهادند و امروزه به ویرانه‌ای بدل گشته‌اند، به گونه‌ای که در مکان نخستین آسیاب، بنایی مسکونی احداث شده است. با این وجود، بررسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری این بناها و انگیزه‌های بنیان‌گذاران آن، روایتگر حضور سرمایه اجتماعی و فرهنگ غنی گُرمناج‌های سربندان است. بدین شرح:

نقش دین در ایجاد اعتماد اجتماعی: در جامعه‌ای که نان، رکن اصلی تغذیه به شمار می‌رفت، آسیاب‌ها نقشی حیاتی در تامین معاش و ساماندهی زندگی ایفا می‌کردند. فرآیند تبدیل غلات به آرد، مهم‌ترین مرحله در تهیه نان بود و آسیاب‌ها این وظیفه مهم را بر عهده داشتند. این اقدام عمرانی، راهکاری هوشمندانه برای بهره‌گیری از آب رودخانه نیز بود. آب رودخانه، با اهمیتی فراوان، در تمامی جوانب فرهنگ مردم روستا بازتاب داشت و در عرصه فرهنگ معنوی نیز، مبنای رونق آسیاب‌های آبی بود؛ نمونه‌هایی از این پیوند را می‌توان در شکل‌گیری آیین علم‌گردان روستا در روز عاشورا و روشن کردن شمع در کنار هفت چشمه مشاهده کرد. در این راستا، فرهنگ مادی و معنوی درهم تنیده شده‌اند. اهالی خردمند، حرمت آب و به تبع آن، حرمت گندم را پاس می‌داشتند.

گسترش بناهای طاحونه در جهت توسعه و بهبود رفاه مردم روستا و روستاهای اطراف: ساختار معماری طاحونه‌ها، مشتمل بر بخش‌های فنی (کانال‌های ورودی و خروجی آب، پره‌ها، سنگ‌های آسیاب) و جانبی (ورودی، اتاق و انبار)، در زمان رونق، امکان تامین حجم قابل توجهی از آرد مصرفی روستای سربندان و روستاهای مجاور را فراهم می‌آورد و به رفاه و آسایش مردم کمک می‌کرد.

حضور ضرب‌المثل‌ها در ادبیات شفاهی مردم، مؤید انسجام اجتماعی: تاکید بر ضرب‌المثل‌های مرتبط با آسیاب و آسیابانی، نمونه‌ای از انسجام اجتماعی در این منطقه است. این ضرب‌المثل‌ها، با مضامینی چون ایمان، همبستگی و صبر، نقش بسزایی در تعلیم و تربیت اهالی ایفا می‌کردند. ضرب‌المثل‌ها، همچون شعر، پیام را در کوتاه‌ترین و رساترین شکل ممکن منتقل

می‌کنند. مردم عادی جامعه، تجارب و اندوخته‌های گذشتگان را در قالب جملاتی کوتاه و پذیرفته شده بیان می‌کنند و در عین سادگی، پیام‌هایی عمیق را به مخاطب انتقال می‌دهند. شناخت این سازه‌ها، دریچه‌ای به سوی شناخت فرهنگ و دانش بزرگان قوم گرمانج است. نَاش (آسیاب)، تبلوری از فنون، تجارب و علوم کاربردی انباشته شده، نشان می‌دهد که بزرگان سرپنج نسبت به محیط پیرامون خود آگاهی و دانش داشتند و با تجربه‌هایی که کسب کرده بودند، می‌توانستند کوه‌ها، دره‌ها، گیاهان و به طور کلی، طبیعت اطراف خود را تقسیم‌بندی و نام‌گذاری کنند. آنان از محل تهیه مصالح نیز آگاه بودند؛ چنان که سنگ آسیاب را از منطقه اسب‌چال تهیه می‌کردند. همچنین، به مکان مناسب برای احداث آسیاب آبی اشراف داشتند و با ساخت و توسعه آن، با روستاهای همجوار ارتباط برقرار کردند و امکان بهره‌مندی ساکنان آن‌ها از آسیاب را فراهم آوردند. این تعامل، به رشد اقتصادی و توسعه و آبادانی روستا کمک شایانی کرد. به طور خلاصه، می‌توان مطالب این مقاله را در قالب یک نمودار ارائه کرد.



منابع

کتاب‌ها

- بلوکباشی، علی (۱۳۶۷)، *آسیا در دائره‌المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: انتشارات مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۸)، *در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ دیگری نگریستن*، تهران: گل‌آذین.
- صادقی باجگیر، هاشم (۱۳۸۸)، *مرزداران دامنه‌ی کیسمار: روایتی از کردهای شمال خراسان*، مشهد: واسع: دامینه.
- عبید زاکانی، عبیدالله (۱۳۵۲)، *کلیات عبید زاکانی*، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران: گلشایی.
- عمید، حسن (۱۳۶۳)، *فرهنگ عمید*، تهران: امیرکبیر.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کینی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- محبی، پرویز (۱۳۸۳)، *فنون و منابع در ایران*، ترجمه آرام قریب، تهران: نشر اختران.
- هدایت، رضاقلی بن محمد هادی (۱۳۵۶)، *سفارت‌نامه خوارزمی*، تهران: طهوری.

مقالات

- آفتاب، شبنم (۱۳۹۲)، «امکان‌سنجی توسعه گردشگری روستای سربندان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ شیری محمودآبادی، حمیده (۱۳۹۶)، «نقش سرمایه اجتماعی در ارتقاء سلامت اجتماعی زنان شهر یزد»، *مجله پژوهش‌نامه زنان*، شماره ۴.
- ایزدی، نسیم؛ علی‌آبادی، وحید؛ سعدی، حشمت‌الله (۱۳۹۶)، «ارزیابی تأثیر فضای کالبدی روستاها بر سرمایه اجتماعی اقدامات کارآفرینانه و خرده فرهنگ‌های راجرز با رویکرد مقایسه‌ای»، *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۶۰.
- بریمانی، فرامرز؛ راستی، هادی؛ دهقانی، میثم؛ جهان تیغ، راضیه (۱۳۹۷)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و عوامل تهدیدکننده امنیت: مطالعه موردی سکونتگاه‌های مرزی سیستان و بلوچستان»، *مجله جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، شماره ۲۶.

- تاج‌الدین، محمد باقر (۱۳۹۱)، «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر در آن (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق)»، *مطالعات جامعه‌شناسی/ایران*، شماره ۸.
- حکیم‌آذر، محمد (۱۳۹۴)، «تأملی در محتوای اجتماعی طنز عبید»، *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*، شماره ۲۲، صص ۹۷-۱۲۲.
- حیدرپور، گلنار (۱۳۹۹)، «آسیاب‌های آبی استان سمنان و کارکردهای آن»، *فرهنگ قومس*، شماره ۶۲ و ۶۳، صص ۱۲۹-۱۶۲.
- حیدری ساریان، وکیل (۱۳۹۴)، «نقش سرمایه اجتماعی در تقویت کارآفرینی در مناطق روستایی مطالعه موردی استان اردبیل»، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، شماره ۳۸.
- خسروانی، فرهاد؛ نعیمی، امیر؛ پزشکی راد، غلامرضا؛ فرهادیان، همایون؛ عزیزپور فرد، فضل‌الله (۱۳۹۵)، «تحلیل مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان کشاورزی با تأکید بر کارآفرینی»، *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی/ایران*، شماره ۲.
- سرافرازی، رضا (۱۳۷۳)، «آسیاب‌های کمره و پیشینه آسیاب‌های آبی در ایران»، *فصلنامه علوم/اجتماعی*، شماره ۵، صص ۱۳۵-۱۶۸.
- شاطریان، محسن؛ حیدری شورجانی، رسول (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان مطالعه موردی: شهر برزک»، *مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۱۰.
- عبدالله‌زاده فرد، علیرضا (۱۳۹۶)، «نقش فضای عمومی شهری در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی نمونه موردی: پارک حاشیه چمران کلان‌شهر شیراز»، *مجله آمایش محیط*، شماره ۳۹.
- غنیمتی، حسن؛ منصوری، فردین؛ داداندیش، پروین (۱۳۹۹)، «انسجام اجتماعی و رابطه آن با تشتت هنجاری»، *فصلنامه مسائل اجتماعی/ایران*، شماره ۲.
- گرجی کرسامی، علی؛ بابایی کارنامی، علی (۱۳۹۶)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی چهاردانگه ساری»، *مجله تعاون و کشاورزی*، شماره ۲۴.

- مسعودی، ذبیح‌الله؛ نجف‌زاده، علی؛ محمودی نسب، علی اصغر (۱۳۷۹)، «نگاهی به ویژگی‌های معماری آسیاب‌های شهر بیرجند»، *مجله اثر*، شماره ۱۰، صص ۱۱۱-۱۱۹.
- موسایی، میثم (۱۳۸۸)، «رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی»، *فصلنامه راهبر*، شماره ۲۰.
- میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس؛ صادق‌نیا، آسیه؛ رستمی، محمدجعفر (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در عملکرد شرکت‌های تعاونی کشاورزی و صنعتی شهرستان بویراحمد»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۱۴.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۵۴)، «شاهکار راهسازی ساسانی - دیلیمی در دره هزار»، *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۵۷، صص ۵۵-۶۰.

مصاحبه‌ها و گزارش‌ها

- فرمانداری دماوند (۱۳۹۳)، *چکیده آمار و اطلاعات سال ۱۳۹۳ شهرستان دماوند*، دفتر معاونت طرح و برنامه‌ریزی.

منابع انگلیسی

Books

- Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (1994) *The Handbook of Qualitative Research* London: Sage Publications.

جدول (۱) اطلاع‌رسان‌های بومی روستای سربندان - سال‌های ۱۳۹۹-۱۴۰۱

ردیف	نام خانوادگی، نام	تحصیلات	شغل
۱	بینش‌جو، مریم	دیپلم	کارآفرین
۲	حسن‌نیا، اکبر	دیپلم	دامدار و باغداری
۳	ذوالفقاری، رسول	کارشناسی ارشد	مدیر سایت سربندان
۴	رحیمی، حاج علی	دیپلم	دامدار و کارآفرین
۵	رضازاده، محمدرضا	دبیرستان	دامدار
۶	شادلویی، خسرو	دیپلم	بازنشسته
۷	عرب سرهنگی، کاظم	سوم راهنمایی	دامدار
۸	عزیزی، رعنا	سوم راهنمایی	خانه‌دار

۹	عزیزی، رمضان	سوم راهنمایی	دامدار
۱۰	غفاری، ابراهیم	سوم راهنمایی	کشاورز و دامدار
۱۱	قاسمی، ابراهیم	دیپلم	کشاورز، نجار و عضو شورای ده
۱۲	کارگر، ابوالقاسم	بی سواد	کارگر
۱۳	کریمی، حسین	سواد قرآنی	دامدار و کشاورز
۱۴	کریمی، حوا	بی سواد	خانه دار
۱۵	مرادی، حسین	دیپلم	کشاورز، پارچه فروش و عضو شورای ده
۱۶	مرادی، مسعود	سوم راهنمایی	باغدار

عکس ۳. مصاحبه‌های میدانی انجام شده با اطلاع‌رسان‌های بومی روستای سرپندان (نگارنده، ۱۴۰۱-۱۳۹۹)

